



روزه ادواردو آگوالوسا آفتاب پرست‌ها

ترجمه‌ی مهدی غبرایی

- جهان‌نو -

سرشناسه: آگوالوزا، ژوزه ادوردو، - ۱۹۰۰ م

Agualusa, José Eduardo

عنوان و نام پدیدآور: آفتاب‌پرست‌ها / ژوزه آگوالوزا، ترجمه مهدی غیرانی

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۲۱۹ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۹۳۰-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Vendedor de passados

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان "chameleons" به فارسی

ترجمه شده است.

موضوع: داستان‌های پرتغالی - قرن ۲۰ م

موضوع: Portuguese fiction -- 20th century

شناسه‌ی افزوده: غیرانی، مهدی، ۱۳۲۴، مترجم

رده‌بندی کنگره: PQ۹۹۲۹ / I۷۱۷ ۱۳۹۶

رده‌بندی دیویی: ۸۶۹ / ۳۴۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۰۴۱۸۹۸



cheshmehpublication



cheshmehpublication
www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - داستان - غیرفارسی - رمان پرتغالی

آفتاب پرست‌ها
ژوزه ادواردو آگوالوسا
ترجمه‌ی مهدی غیراتی
ویراستار: نیما سرلک

مدیر هنری: مجید عباسی

لیتوگرافی: باختر

چاپ: دالاهو

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

چون از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۹۳۰-۷

• ری و فروش نشر چشمه:

تهران، کارگر شمالی، مجتمع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.

تلفن: ۸۸۳۲ ۰۰۰

کتاب‌فروشی نشر چشمه - ریم‌خان:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، پلاک ۱۰، میرزا شیراز، شماره‌ی ۱۰۷.

تلفن: ۸۸ ۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کوی:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴.

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظ، نبش، طبقه‌ی دوم، واحد ۲.

مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲.

تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی بابل:

بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شیرینی‌سرای بابل.

تلفن: (۰۱۱) ۳۳۴۷۶۵۷۱

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی پریم:

تهران، پاسداران، نبش گلستان یکم، مجتمع پریم، طبقه‌ی ۲.

تلفن: ۹۱۰۰۱۲۵۸

مقدمه‌ی مترجم

در سال‌های اخیر، بیست و هشتاد و پنج نویسنده‌ی آسیا و آفریقا بوده است. به یک دلیل ساده: بدین روش‌ها، کشش و کوشش‌ها و انقلاب‌ها و جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها، به‌ویژه از نیمه‌ی قرن بیستم تاکنون، این قاره‌ها بوده و دستاوردهای آن در هنر و ادبیات بروز می‌کند. البته تا به دنیای انگلیسی‌زبان برسد طبعاً قدری طول می‌کشد.

به قدر وسع خود از هندی‌ها و هندی‌تباران (ده‌رمان)، از ژاپن (حدود ده‌رمان)، از چین (دورمان در راه)، از آفریقای عرب‌زبان (دورمان)، اکنون... معتقدم یکی از وظایف مترجمانی چون من کشف صداها و فضاها و این است.

پایان‌نامه‌ی کارشناسی (لیسانس) من درباره‌ی کشورهای مستعمره، آفریقایی بود که علیه رژیم دیکتاتوری سالازار می‌جنگیدند و خواستار استقلال بودند. حالا در گشت‌وگذارهای سایت آمازون چند نویسنده‌ی آنگولایی و موزامبیک (و قبلاً کنیایی) پیدا کرده‌ام که برخی‌شان با پشتوانه‌ی سترگی چون فرناندو پسون^۱ از یک سو و بورخس و مارکز و... از سوی دیگر به شیوه‌ی رئالیسم جادویی،

۱. Fernando Pessoa (۱۸۸۸-۱۹۳۵): شاعر، نویسنده، مترجم و منتقد پرتغالی. او را تأثیرگذارترین نویسنده‌ی جریان‌ساز و از بنیان‌پس‌امدرنیسم می‌دانند.

سورنالیسم و پسامدرنیسم می‌نویسند. از آن میان همین که آفتاب‌پرست‌ها^۱ را دیدم، از همان اول به شگفت آمدم و انگار کشفی کردم که به اندازی خواندن پدر و پارامو^۲ — سال‌ها پیش — برایم هیجان‌انگیز بود.

تصور کنید راوی بزمجه^۳‌ای باشد که شکل تناسخ‌یافته‌ی بورخس است، یا به عبارتی دیگر بورخس در تن او حلول کرده باشد. از زاویه‌ی بالای سقف یا روی دیوار ناظر اوضاع باشد و نشانه‌هایی (هر چند مبهم و به‌اشاره) از زندگی بورخس به دست دهد. آن وقت از کسی حکایت کند که زال است، یعنی سپیدروی و سپیدموی و روشن چشم (کسی که نمی‌تواند رنگ‌دانه‌های ملانین تولید کند و پوستش سفید می‌شود). عجیب‌تر از این شغل اوست که گذشته تولید می‌کند و می‌رشد و همه‌ی این‌ها به نحوی ظریف و موجز با اوضاعی که ظرف سی سال در کشورش می‌گذرد، درمی‌آمیزد و آخرسر از لحاظ رؤیاپردازی گوشه‌پیشی از بورخس دارد.

عنوان اصلی، زبان به زبان پرتغالی به تعبیر من ماضی فروش است. مترجم انگلیسی با هماهنگی نویسنده نام آن را به کتاب آفتاب‌پرست‌ها تغییر داده است. لابد می‌خواست عنوان به جای آن که به فلیکس و تئورا ارجاع دهد، همه‌ی شخصیت‌های کتاب را در بر بگیرد. شخصاً مایل بودم به جای آفتاب‌پرست بگذارم حربا، که اسم عربی است، راز که یکی به گوش و چشم آشنا بوده و جانوری است مارمولک‌سان (قدری درشت‌تر) که پیوسته به رنگ محیط دوروبرش درمی‌آید و کنایه از فرصت‌طلبی و... است اما با هر کس که در میان گذاشتم، گفت دور از ذهن است. پس من هم به تأیید رجم انگلیسی تغییر کوچکی در عنوان دادم و چون آفتاب‌پرست کلمه‌ی کتاب ردو حزن^۴ی است (در برابر حربا که کلمه‌ی بسیط است) «کتاب» را حذف کردم و فقط عنوان آفتاب‌پرست‌ها را نگه داشتم.

1. The Book of Chameleons

۲. معرفی این رمان خوان رولفو، نویسنده‌ی مکزیک، را مدیون احمد گلشیری هستیم.

3. gecko

ژوزه ادواردو آگوالوسا آلوس دا کونیا^۱ متولد ۱۹۶۰ هوامبو در آنگولا، روزنامه‌نگار و نویسنده است. او در لیسبون پرتغال در رشته‌ی کشاورزی و حفظ و نگاه‌داری جنگل‌ها درس خوانده است. در حال حاضر مقیم موزامبیک است. آگوالوسا عمدتاً به زبان بومی کشور خود، پرتغالی، می‌نویسد و بیشتر نوشته‌هایش بر تاریخ آنگولا متمرکز است. علاوه بر داستان‌های کوتاه و مقالات، نه رمان منتشر کرده که چهار رمان او را دانیل هان به انگلیسی ترجمه کرده است. رمان آفتاب‌پرست‌ها در ۲۰۰۷ نخستین جایزه‌ی رمان خارجی مستقل را نصیب او کرده است. رمان نظریه‌ی عمومی نسیان^۲ که در ۲۰۱۲ به زبان انگلیسی ترجمه شده در لیست ماقبل نهایی جایزه‌ی نوبل^۳ آمده و در ۲۰۱۷ جایزه‌ی بین‌المللی ادبیات دابلین را دریافت کرده است.

یکی از ناقدان کار او چنین وصف می‌کند: «... حلقه‌ی ارتباط بین تاریخ و داستان، بین گزارش گذشته و توصیف آن چه امکان داشته است... نویسنده می‌کوشد به لحظه‌ای دست یابد که سران تاریخ به ادبیات تبدیل می‌شود و ترسیم می‌کند که چگونه تخیل ادبی از راه منظر خیالی و رؤیاوار از زندگی، بر تاریخ پیشی می‌گیرد... آگوالوسا نه فقط بر تحقیق خشک تاریخی، بلکه بر استعدادی ادبی که به این شخصیت‌ها حیات می‌بخشد، گواهی می‌دهد...»^۴

جز دورمان یادشده، دورمان دیگر هم از او به زبان انگلیسی در دست است: دورگه^۵ و همسران پدرم^۶، که اگر عمری باقی بود سراغ آن‌ها هم می‌روم.

از زمان مسخ گرگور سامسا چنین راوی قانع‌کننده‌ی غیرانسانی نداشته‌ایم. همراهی

1. José Eduardo Agualusa Alves da Cunha

3. Creol

2. A General Theory of Oblivion

4. My Father's Wives

کافکا و نویسنده‌ی آنگولایی، ژوزه ادواردو آگوآلوسا، به همین جا ختم می‌شود، اما هر یک داستانی افسانه‌یی آفریده‌اند که قسمتی از قدرتش در بی‌طرفی ناظر موجود خون‌سردی نهفته است که شخصیت‌های انسانی با وسوسه‌های تب‌آلود احاطه‌شان کرده‌اند.

این‌جا مارمولکی داریم که روایتش با داستان‌های فلیکس و نتورا، زالی آنگولایی که تفاوت ظاهری‌اش او را از نژاد و فرهنگش جدا می‌کند، درآمیخته است. مارمولک بر سقف و دیوارهای عمارتی روبه ویرانی به سر می‌برد. چند تن تازه‌به‌دوران‌رسیده — ارواح گم‌شده که در صدد بازآفرینی خویشتن خویش‌اند — به این خانه می‌آیند. وزیر دولت، مأمور امنیتی و عکاس خارجی، همه دلایلی برای میان به ابداع تباری مشهور دارند. هر شخصیت — که سخت درگیر جنگ‌ها، مصیبت‌بار و سیاست‌های فریب‌کارانه‌ی افریقایی پیش از استقلال بوده — فقط با تغییر ریت و کسی دیگر شدن می‌تواند امید‌گریز از حقیقت یا عدالت داشته باشد. ربه صورت ستون‌های ملت نوپا درآید.

فلیکس و نتورا، جای ابداع کرده که به هر کدام از مشتری‌ها نسبی قلبی می‌دهد — به اضافی عکاس‌هایی از اجداد فقید و همه‌ی سازوبرگ عمری که از سر نگذرانده است، همچنین اسناد و مدارکی در اثبات این دروغ. اما خودش بی‌کس‌تر از همه است: نمی‌تواند ریت واقعی آن مشتری‌ها را بپذیرد، حتا اگر واقعیات بر خیال‌های او هجوم بیاورد.

فلیکس در این انزو فقط با راوی دیگر، یولالیو، سهیم است. غیر از صفحات کتاب فوق‌العاده خاطره‌انگیز آگوآلوسا، آن‌چه این دودر آنسویک‌اند بی‌کلامی است. یولالیو نمی‌تواند حرف بزند، چون بزجه است؛ فلیکس هم از ترس خراب کردن آن‌چه چنین دردناک ساخته به حرف نمی‌آید. حقیقت با چنان ناگزیری‌ای که از سر نوشت خبر می‌دهد، قوی‌تر و عجیب‌تر از داستان، سرانجام بر ملا می‌شود.

از یک سو آگوآلوسا — بین برجسته‌ترین نویسندگان نسلی که از قاره‌ی افریقا

ظهور کرده‌اند — داستانی اخلاقی برای ارانه در پیشگاه کمیسیون حقیقت‌زمانه‌ی ما فراهم آورده است؛ از سوی دیگر اثری با اصالت شدید که قدرت آفرینشگری را در انتقال تلخ‌ترین اعمال به اثبات می‌رساند. دانیل هان رمان را به صورتی جاندار به ما ارائه کرده است.

۴

و اشاره‌ی مختصری به تاریخ آنگولا: آنگولا کشوری است در جنوب غربی آفریقا و هفتمین کشور بزرگ آفریقا و دومین تولیدکننده‌ی نفت این قاره پس از نیجریه. از جنوب با نامیبیا، از شرق با زامبیا، از شرق و شمال با کنگو و از غرب با اقیانوس اطلس هم‌رزا است. باتست و پُرجمعیت‌ترین شهرش لواندا و زبان رسمی آن پرتغالی است. جمعیت آن در ۲۰۱۴ حدود ۲۶ میلیون نفر بوده.

آنگولا آخرین مستعمری بزرگ اروپایی بود که استقلال خود را بازیافت. این کشور نزدیک به پنج قرن مستعمر پرتغال بود. بهره‌کشی استعمار و سرکوبی اعتراضات سیاسی در ۱۹۶۱ به بروز جنگ چریکی منجر شد. این جنگ‌ها که از حمایت نظامی روسیه و کوبا برخوردار بودند، سرانجام در ۱۹۷۴ پرتغال را وادار به پذیرش استقلال آنگولا کرد. پس از استقلال جنبه‌های آزادی آنگولا و یونیتا مشترکاً زمام کشور را به دست گرفتند. دیری نگذشت که آنگولا میدان مبارزات داخلی و خارجی شد. حکومت جدید آنگولا به رهبری آکو استینونوا از ۱۹۷۶ تشکیل شد، اما زئیر (کنگو) و آفریقای جنوبی به آن تجاوز کردند.

بلافاصله پس از استقلال جنگ داخلی آغاز شد. اتحاد می برای استقلال کامل آنگولا (یونیتا) از سربازان آفریقای جنوبی کمک گرفت. دولت (جنگ مردمی برای آزادی آنگولا) از پشتیبانی نیروی نظامی کوبا برخوردار شد. در ۱۹۹۲ دولت لواندا برای مقابله با حملات جدید یونیتا و پاسداری از تأسیسات نفتی از فرانسه درخواست کمک نظامی کرد. در ۱۹۹۳ شرکت اگزکیوتیو آو تکامز به کمک دولت آنگولا شتافت تا منطقه‌ی نفتی سویورا از دست یونیتا بیرون آورد.